

پرواز با اندیشه مولانا شاهنشاہ درویشان

سلسله نگارشات درباره زندگی و اندیشه
مولوی - سخنور نامدار ایرانی
نویسنده: مهندس همایون ابراهیمی (داروگر)

پاکان، در اندیشه مولانا، مهربانان و نیک اندیشانند که بی بهره بری از فرمانهای دینی، خدای یگانه را میپرستند و برای بهروزی مردمان در تکاپویند.

زندگی او در آمیخته با برآوردن آرزوهای مردم نیازمند است، با آشنائی و نزدیکی که با بزرگان و دولتمردان شهر دارد، میکوشد با نوشتن نامه ها، از بار گفتاریهای گوناگون مردم بکاهد، همین بزرگواریها و دلسوزیهای او است که در میان توده مردم آنچنان شیفته و هواخواهان فراوان دارد.

امروز، مولانا برای دیدار از بیماران جزامی به بیرون از شهر رفته و همگان را شگفت زده کرده، پافشاری نزدیکانش از باز داری او باین کار، اثرگذار نیست و چون نزدیکانش میترسند بآن نگون بختان بیمار نزدیک شوند، مولوی تنها بدیدارشان میرود، با دستهای مبارکش بآنها خوراک میدهد و بگفتگو مینشیند، این دیدار در شهر چون توپ بگوش همگان میرسد و بر محبوبیت روز افزونش میافزاید.

امروز را در خاطره های خود بسپارید، روزی که در تاریخ ادبیات گیتی بعنوان شگفت آفرین ترین رویداد های ادبی جهان بجای خواهد ماند. روزی که اگر نیامد، دیوان شمس یا بزرگترین کتاب ادبی جهان نوشته نمیشد و مثنوی مولوی برشته نگارش در نمی آمد.

آفتاب نیمروزی بر شهر میتابد، آرامشی پیش از طوفان، شهر را در برگرفته. ابرهای رونده چون شمعی خاکستری بر پهنه شهر سایه انداخته اند. بازار شکر فروشان شهر قونیه نیز با رفت و آمدهای روزانه و پیش پا افتاده مردم گره خورده و همه چیز در روند همیشگی است.

مولانای جوان که بر اسب نشسته، از مدرسه بسوی خانه اش میراند. گروهی از شاگردانش نیز در کنار مرکب اویند. مولانا با آرامشی که بر بزرگواریش میافزاید بمردمی که برای بزرگداشتش از دکانها بیرون آمده اند سر تکان میدهد. ناگهان...

پیش از بررسی به این رویداد تکان دهنده باید به آگاهیان

برسانم که بیاور بزرگترین پژوهشگران گیتی همانند استاد فروزانفر (دانشگاه تهران)، استاد جلال همائی (دانشگاه تهران)، استاد علی دشتی (نویسنده مخملین قلم که بفرمان خمینی تیرباران شد) و دیگران، اگر آن رویداد رخ نمیداد، بیشتر شاهکارهای ادبی جهان پدیدار نمی شد.

مولانا با گروهی از شاگردانش از بازار شکر فروشان قونیه رد میشود، ناگهان پیرمردی ژولیده و بیگانه که تا به آنروز هیچکس او را در قونیه ندیده بود خود را به اسب مولانا میرساند و بر او بانگ میدهد که بایستد! فریادش چنان بلند است که بازار سر پوشیده را بلرزه درمیآورد. او می پرسد: مولانای روم شمائید؟

من از شهر تبریز آمده ام تا شما را ببینم، چون آوازه فرزانتان، سراسر خاورمیانه را دربر گرفته و از شما يك پرسش دارم و برای پاسخ به این پرسش من از ایران به قونیه آمده ام. خاموشی بر سراسر بازار سایه میاندازد و مردم که برای دیدن آن پیرمرد ایرانی بگرداگرد مولای شهر آمده اند با شگفتی بر آن بیگانه مینگرند و سرپا گوشند و او چنین میپرسد: بایزید بسطامی بخداوند نزدیک تر بود یا پیامبر اسلام؟! (بایزید درویشی قلندر است که از خراسان برخاست و از فرزانتان دوران خویش و دانشمندی بنام در ایرانزمین بود). مولانا با شگفتی بر پیرمرد مینگرد و بی درنگ پاسخ میدهد که: بایزید را به پیامبر چه کار؟ روشن است که پیامبر از او بالاتر و ولاتر بود.

پیرمرد میگوید: پس چرا بایزید گفت من بخداوند نزدیکترم و خود را به او بسیار ژرفتر مینگرم تا پیامبر...

مولانا بخود فرو میرود. گوئی خود را در برابر آن پیرمرد کوچک و کوچک تر میبیند. این چه پرسش کوبنده ای بود که آن پیرتبریزی برایش آراسته بود. چون مات شدگان در میدان شطرنج بجای خود میخکوب شده بود، ده سال آموزکاری فرمانهای دینی را در رویاروی بی پایه و پوچ میدید. گوئی از خوابی سی ساله بیدار شده. از اسب پائین میآید و به چشمان پیرمرد مینگرد. تو کیستی؟

در بحر صفا گذاختم همچو نمک
نه کفر و نه ایمان نه یقین ماند و نه شک
اندر دل من ستاره ای پیدا شد
گم گشت در آن ستاره هر هفت فلک

در این سروده جاویدان و بی مانند، رویارویش را با شاهنشاہ درویشان (شمس تبریزی) که تا پایانی زندگیش او را چنین میخواند بررسی میکند:

شاه ما از جمله شاهان بیش بود و پیش بود
زآنکه شاهنشاہ ما هم شاه و هم درویش بود
هفتاد هزار بیت شعر را مولانا در وصف این پیر قلندر تبریزی سرود و جهانی را با آن مانده های بی همتایش گلباران کرد و تا دنیا دنیا است، آن پیر فرزانه تبریزی را در دل دوستداران فراوانش در سراسر گیتی زنده نگاه داشت.



در آینده نزدیک جهت بزرگداشت از جامعه محترم کاشان نمایشگاهی از عکس و جشنی مجلل در تالار گالری پالاس برقرار میگردد. از شما سروران درخواست داریم اگر عکسی از کنیسه‌های شهر کاشان و یا افراد خیر و دبیرون و آموزگاران دارید، آنرا بطور امانت به ما بسپارید تا در شب جشن به تماشا گذارده شود. برای آگاهی بیشتر با آقای حق نظر توفیق تلفن: 052-2498759 تماس بگیرید.

تبریک

خانواده محترم فولادیان، تولد نورسیده راشادباش گفته و برای شما سلامتی، سعادت و خوشبختی آرزومندیم. از طرف اعضای سازمان نیکوکاری عزز میداوید

خانم مروارید ابراهیمی

ازدواج فرخنده نوه شما را شادباش گفته و برای شما و اعضای خانواده، عمری طولانی همراه با تندرستی و سعادت آرزومندیم.

از طرف اعضای سازمان نیکوکاری عزز میداوید

جناب آقای خسرو خاکشوریان و خانواده گرامی جشن عروسی فرزندان را شادباش گفته و از صمیم قلب برای شما عزیزان سلامتی و شادکامی آرزو مینمائیم.

داود بی بیان

جناب آقای بنیامین و خانم زهبا سبزواری تولد دختر خانم شما میخال اودلیا را تبریک گفته و برای شما و خانواده سعادت، نیکبختی و سلامتی آرزومندیم.

از طرف سازمان نیکوکاری عزز میداوید

داود بی بیان

تسلیت

آقای دانی و ایلان کهن و خانواده درگذشت خانم شارونا کهن مادر شما را تسلیت گفته و برای همگی صبر و طاقت آرزو مینمائیم.

از طرف اعضای سازمان نیکوکاری عزز میداوید

داوید بی بیان

کلاس زبان عبری و فارسی توسط آقای دانیل خوش آهنگ همچنان ادامه دارد. برای آگاهی بیشتر و نام نویسی میتوانید با آقای دانیل خوش آهنگ تلفن: 5560145 تماس بگیرید.

کلاس آموزش زبان انگلیسی توسط آقای برخوردار در دو دوره مبتدی و پیشرفته برقرار میباشد. برای آگاهی بیشتر و ثبت نام میتوانید با آقای پرویز برخوردار تلفن: 052-8082346 تماس بگیرید.

پس از سالها انتظار کانون سالخوردگان ایرانی در تاریخ 7/6/09 افتتاح گردید. در شب جشن، هر یک از افراد سازمان داوطلبانه غذای لذیذی را فراهم ساختند که زینت بخش میزهای غذاخوری گشته بود که بدینوسیله از یکایک آنها سپاسگزاری میگردد. این کانون با برنامه های ورزشی و آموزشی و کاردستی و فیلم سینمایی برپا گشته. برای شرکت در این کانون با تلفن سازمان نیکوکاری عزز میداوید تماس داشته باشید.

امسال نیز یکی دیگر از افراد سازمان نیکوکاری عزز میداوید، موفق به دریافت نشان سپاس از شهردار خولون گردید که عده ای از بزرگان جامعه ایرانی نیز در این جشن حضور داشتند. افراد سازمان این پیروزی را به آقای ایگال شقالیم شادباش گفته و موفقیت در تمامی کارها را برای ایشان آرزو مینمایند.

به آگاهی استادان و هنرآموزان و هنرجویان و کادر اداری هنرستان ارت در ایران میرساند که در تاریخ دوازدهم اکتبر 2009 برای بازدید از یکدیگر و آشنائی با خانواده ها، جشنی برپا میگردد. برای شرکت در این برنامه با آقای شهاب ساموخیان تلفن: 03-5038716 تماس حاصل فرمائید.

آقای کمال پنجاسی تعدادی کتاب به سازمان اهداء نموده اند که بدینوسیله از ایشان سپاسگزاری میگردد.

کتابخانه سازمان با دارا بودن کتابهای با ارزش از بهترین نویسندگان ایرانی دایر گشته است. برای دریافت کتاب و یا آگاهی بیشتر با خانم ژاله بخور تلفن: 03-5594114 تماس بگیرید.

شهر شعر

من بودم دوستش آن تبند
از من هیچ لاله از وی هم نبرد
تسلیت صریحیلم با پای بند
تسلیت صریحیلم با بود از
تسلیت صریحیلم با بود از
تسلیت صریحیلم با بود از

یاد ایام...

امشب ز غمش ساغر و پیمانه شکستم
جام و قدح و این دل دیوانه شکستم
از باده فروشان نگر فتم می ناب
صدها خم می در ره میخانه شکستم
از عاشقی و رندی و مستی نگر فتم
فانوس دل و دیده و کاشانه شکستم
از جور و جفا و غم و بد عهدی ایام
شمع ره خود را با دل پروانه شکستم
فریاد دل سوخته را دادرسی نیست
هر جا دل دردانه و یکدانه شکستم
فرهاد که از هجر بتان تیش به سر کوفت
من تیشه فرهاد چو افسانه شکستم
بیدل بکرم میشکنی هر چه شکستی
از روز ازل این دل دیوانه شکستم

دوری ز وطن مکن که بیچاره شوی
در مملکتی غریب بیکاره شوی
در میهن اگر به زیر آوار شوی
به ز آنکه بخاک غربت آواره شوی

دکتر بخیری

ز چشمان سیاهت مست مستم
به امید وصال حله بستم
مرا در آتش عشقت نشاندی
سپس گفتمی که من آتش پرستم
-----***-----
چون برقص آمد نگار مست مست
با نگاه مست خود دل ها شکست
توبه ها کرد و فراموشش شد
یارب که دهد توبه بر این باده پرست
-----***-----
ما مست از این باده نابیم
ما مست همان جام شرابیم
در کوزه آن باده فروش یارب
چه نهان بود که ما مست خرابیم

این چه حرفیست که
در عالم بالاست بهشت
هر کجا وقت خوش افتاد،
همانجاست بهشت
دوزخ از تیرگی بخت
درون تو بود
گر درون تیره نباشد،
همه دنیا است بهشت

شبی از پشت يك تنهایی نمناك و بارانی تو را با لهجه گلهای نیلوفر صدا کردم
تمام شب برای با طراوت ماندن باغ قشنگ آرزوهایت ، دعا کردم
پس از يك جستجوی نقره ای در کوچه های آبی احساس
تو را - از بین گلهایی که در تنهایی ام روئید با حسرت جدا کردم



مجموعه گزارشات فرهنگی، هنری و اجتماعی ایرانیان به نقل از محافل خبری

این بسته هنری در 3 دیسک بنامهای: پدر ای پدر، قصه عشق و زندگی، و شب‌نم، شکل گرفته و از همین هفته در مراکز مهم ایرانی مقیم اسرائیل در دسترس علاقمندان به خرید آن قرار گرفته است.

تبریک به گروه تئاتر متحده در اورشلیم

گروه تئاتر ایرانیان مقیم اورشلیم بمدریت و رهبری سلیمان متحده که اخیراً تحت نام "گروه تئاتر سپاهان" تجدید فعالیت نموده است، طی هفته‌های اخیر در ابتکاری تازه و قابل تقدیر نمایشنامه بزرگ "پسر نخاله" را بیاد هنرپیشه همیشه جاودان تئاتر و سینمای ایران، زنده یاد "ارحام صدر" به روی پرده برد که با استقبال شایان توجه مردم روبرو گشت. از دیگر نکات برجسته نمایش کم‌دی موزیکال "پسر نخاله" حضور هنرپیشگان قدیمی و نیز نوظهور تئاتر ایرانیان در اسرائیل و در کنار یکدیگر میباشد که واقعا کاری بزرگ و استادانه را ارائه داده‌اند. از جمله بازیگران و هنرمندان این نمایش میتوان به آقایان بروریان، متحده، حکیمی، شمسیان، موسی زاده، کلیمی کاشانی و برادران بالا زاده اشاره نمود.

موفقیت این کار استثنائی که تاکنون برای سه شب در شهرهای خولون و اورشلیم به روی سن رفته است را به استاد گرانقدر جناب متحده تبریک گفته و امیدواریم بزودی شاهد اجرای این نمایش در دیگر شهرهای کشور نیز باشیم.

گروه هنری "گلها" نگین موسیقی اصیل ایرانی در اسرائیل

یک هنرمند خوب خود دنیائی از فر و افتخار یک جامعه است و یک گروه هنرمند عالی در کنار هم و تحت نام یک گروه خاص، نام و اعتبار هنر و فرهنگ جامعه را به عرش ملکوت میرساند. این کوچکترین بیان و توصیفی است که ما میتوانیم تقدیم گروه هنری "گلها" بر رهبری استاد ارجمند ساسون منشه بنامیم، که اخیر کنسرت‌های آن در تالار مشهور "سوزان دلال" تل آویو با آنچنان استقبالی از سوی مردم روبرو شده که تمامی بلیط‌های آنها از چندین روز قبل از تاریخ برنامه "پیش فروش" میشود. در آخرین کنسرت این گروه که حضور داشتیم ضمن اینکه سالن برنامه را مملو از مردم پرشور و دوستاند موسیقی اصیل ایرانی دیدیم، دریافتیم که نیمی از این حاضرین اصلاً اسرائیلی هائی هستند که مجذوب صدا و نوای این گروه قرار گرفته‌اند.

در گروه گلها خانم فرزانه کهن - دکلمه و آوازخوانی، استاد ساسون منشه - رهبری، تنظیم گروه همراه با نوازندگی سنتور، آقای فریور دلشاد نوازندگی ضرب، یعقوب میرون - فلوت و پینکر عزری نوازندگی کمانچه و ویولون را بعهدہ دارند.

بقیه در صفحه روبرو

سازمان مرکزی ایرانیان در آستانه ورشکستگی!!!

ماه گذشته از سوی سازمانهای شهری و خدماتی کشور (سازمان آب و برق و تلفن) حکم تخلیه اموال سازمان مرکزی شعبه تل آویو بخاطر بدهی های کلان مالی صادر گردید. این سازمان که اصلی ترین رکن جامعه ایرانی برای رسیدگی به امور مهاجرین تازه و قدیمی و نیز هماهنگ کننده دیگر نهادهای جامعه ما میباشد، با وضع وخیم مالی و ضعف مدیریت شدید روبرو بوده و اگر تلاش های غیرقابل وصف و داوطلبانه آقایان شیمعون حناساب و منوچهر موسی زاده نبود، دربهای سازمان مرکزی از خیلی وقت پیش به طور کل بسته شده بود. موضوع عجیب دیگر اینکه گفته میشود مقامات مسئول بخشی از بدهی های سنگین سازمان مرکزی را از حساب بانکی یکی دیگر از سازمانهای ایرانی فعال در امر کمک به نیازمندان برداشت کرده اند که این امر خود نیز به دردهای این ارگان دوچندان افزوده است.

کنیسیای ایرانیان در رمله نیمه کاره مانده است

کار بازسازی ساختمان کنیسیای ایرانیان در رمله بخاطر کمبود بودجه متوقف مانده و مدیران این مرکز مهم اجتماعی که طی دهها سال در سختترین شرایط به عبادت و اجرای فرمایین دینی جامعه ایرانی پرداخته بوده اند، هم اکنون برای اتمام این پروژه از تمامی هموطنان کمک میطلبند. کنیسیای ایرانیان رمله در ناحیه (شیکون) گیورا، یکی از معدود مراکز اجتماعی و دینی این شهر میباشد که مرکز خدماتی ایرانیان در تمامی امور دینی، شادی، سوگواری و گردهم آئی های آنان بوده. برای کمک به این کنیسا با دفتر مجله تماس حاصل فرمائید.

فعالیت های تازه آلبرت

آلبرت کاکلی نوازنده مشهور ایرانی مقیم اسرائیل که در مجامع هنری ما نامی جهانی دارد، بتازگی دست به کاری بزرگ زده و با ارائه 3 آلبوم زیبا در مجموعه یک بسته، میروید اثری جالب و بیاد ماندنی را تقدیم به دوستداران موزیک ایران بنماید. در این مجموعه به دو نکته بسیار مهم باید توجه نمود: اولاً آثار خود آلبرت در این آلبومها در کنار دیگر آثار همیشه جاودان موزیک فارسی با ترکیب و ریتمی تازه توام با دکلمه های بسیار زیبا، و دوما و شاید مهمتر از همه، آلبرت در این مجموعه برای اولین بار در طی حیات هنری خود بعنوان یک خواننده ظاهر میگردد.

استر پورشایان هنرمندی ساکت اما فعال

خانم استر پورشایان هنرمند برجسته ای که قبلا در مورد کارهای هنریشان در مجله شهیاد به آن اشاره نموده بودیم، از جمله معدود هنرمندان ایرانی است که توانسته به جامعه هنری اسرائیل نیز رسوخ کرده و هنر موسیقی ما را به آنها معرفی نماید. یکی از آخرین کنسرت‌های موفق خانم پورشایان در ماه مارس امسال در تالار "یت شموعل" اورشلیم بود که جمع کثیری از مدعوین ایرانی و اسرائیلی با شنیدن صدای زیبا و گرم خانم استر به وجد آمده و او را مورد تشویق و استقبال غیرقابل وصفی قرار دادند. از موفقیت‌های آینده این هنرمند عزیز برای شما باز خواهیم گفت.

"رومی" شاهزاده عشق پارسی

علاقه و توجه مردم اسرائیل به هنر و فرهنگ ایرانزمین هر روز بیشتر و بیشتر میگردد. از جمله دیگر برنامه های جالبی که در تالار "سوزان دلال" و در رابطه با فرهنگ ایران اجرا میگردد، قطعات موسیقی همراه با داستان سرایی قصه های باستانی ایرانی است. گیل رون شمع در این برنامه ها از سفرهای خود و زندگی با جوامع صوفی در جهان توام با اشعار جادویی و داستانهایی از آثار مولانا جلال الدین رومی را به سوی صحنه میبرد. او آثار موزیکال خود را با بهره گیری از روح و نهران موزیک شرق بنا نهاده که یکی از مشهورترین آنها "رومی شاهزاده عشق ایرانی" است.

به بهانه معرفی و قدردانی از کارنامه هنری فریدون کرمانشاهی

مجله شهیاد سعی دارد، هرچند گاه یکبار، هنرمندان منحصر به فردی را که در بین ما زندگی میکنند به شما عزیزان معرفی کرده و از زحمات و دست آوردهای عظیمشان قدردانی بنماید. یکی از این عزیزان آوازخوان و نوازنده مشهور ایران فریدون کرمانشاهی است که از هنرمندان سابقه رادیوهای ایران در سالهای قبل از انقلاب بشمار میآید.

فریدون مشهدی کرمانشاهی در سال 1312 در شهر کرمانشاه متولد گردیده است. وی دوره تحصیلات خود را در مدرسه و دبیرستان اتحاد (آلیانس) آن شهر به پایان رساند. از همان سالهای اولیه جوانی ذوق هنر خوانندگی در وی نمایان گشت و از سن 18 سالگی به دنیای موزیک پای نهاد. پدر او از استادان آواز در شهر کرمانشاه بود که نزد وی نت و ردیف های موسیقی اصیل ایرانی را بنحو احسن فرا گرفته و بخاطر همین ریشه های عمیق خانوادگی و عشق و علاقه بیشمار به موسیقی ایرانی، توانست که به رادیو کرمانشاه راه یافته و در آن سازمان با اجرای برنامه های هنری مشغول بکار شود.

بمرور زمان و در پی مسافرت به تهران وی نزد استاد ناصر زرآبادی رفته و نواختن ویالون را در مکتب این استاد عالیقدر تمرین کرده و یاد میگیرد. در همان زمان و با پیشرفت فعالیت های هنری وی و نام و شهرت خوبی که در مجامع هنری آنزمان ایران برای خود کسب نموده بود، از طرف رادیوی مشهور "ژاندارمری" از وی برای همکاری دعوت بعمل آمده و شبهای سه شنبه با برنامه های خاطره انگیز ترانه های محلی و کردی او، ساعات فراغت دهها هزار شنونده این رادیو اشباع میگردد. برنامه های جاودانی ای که هنوز یاد آن برای بسیاری از ایرانیان داخل و خارج از کشور زنده است.

استاد فریدون کرمانشاهی بخاطر سابقه پرشور هنری و نیز تسلط کاملش بر دستگاههای موسیقی ایرانی یکی از نام آوران موسیقی معاصر ایران بشمار می آید که خوشوقتانه امروز این هنرمند عزیز با ما و در میان ما و ساکن اسرائیل میباشد. امروزه دیگر فریدون کمتر به روی صحنه ظاهر شده و آنطور که آگاه شده ایم با کار در يك رستوران در تل آویو ایام ساکت و بدور از جنجالی را میگذراند.

چندی قبل در نشست دوستانه ای که آقای منوچهر موسی زاده در سازمان مرکزی برای قدردانی از شاعر بزرگ آقای داویدیان (مسرور) ترتیب داده بود، شاهد ایفای نقش کوتاه و دلنشینی از استاد فریدون در این جمع بوده و افتخار آشنائی بیشتری را با این هنرمند عزیز کسب نمودیم.

آقای کرمانشاهی در این رابطه يك دوبیتی را به مجله شهیاد هدیه کردند تا به ظهور خوانندگان خود تقدیم داریم:

تا خبردار شدم دیگر همه سوخته بودم

پروانه صفت چشم بر او دوخته بودم

این بود وفائی که من آموخته بودم

خاکستر جسمم به رخ شمع فرو ریخت